

# جوان و خودباوری

سیدصادق سیدنژاد

گرچه در تکوین شخصیت و پیشرفت آدمی، برخورداری از همه فضیلت‌های اخلاقی و خصلت‌های شایسته انسانی نقش مؤثری دارند ولی برخی از این خصلت‌ها، بویژه در قسمتی از دوره‌های زندگی بسیار سرنوشت‌ساز هستند. به عنوان مثال، در دوره جوانی به دنبال شکوفایی استعداد و توانایی‌های بالقوه فرد، ضرورت تصمیم‌گیری‌های بسیار مهم، که گاهی مسیر زندگی نهایی انسان را در طول زندگی او مشخص می‌کند، پیش می‌آید. در چنین شرایطی، برخورداری از خصلت والای خودباوری زمینه سعادت و موفقیت او را در تمام عرصه‌های زندگی تضمین می‌کند. چه جوان در سایه تحقق خودباوری است که به این اطمینان می‌رسد که اگر از مجموعه استعدادها و توانمندی‌هایی که دارد به طور مناسب بهره‌برداری نماید؛ به اهداف و آرزوهایی که دارد می‌تواند دسترسی پیدا کند. این احساس توانمندی و خودباوری، از او شخصیتی فعال و خلاق و امیدوار و... می‌سازد. و او را در برخورد با مشکلات و گرفتاری‌ها از دچار شدن به یأس و ناامیدی رهایی می‌بخشد. برای روشن شدن اهمیت این موضوع به اختصار ابعاد مختلف مسأله خودباوری در این مقال مورد بررسی قرار می‌گیرد:

## الف. خودباوری چیست؟

خودباوری اصطلاحی است که امروزه در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی به کار می‌رود و منظور از آن یک حالت مثبت روحی و روانی است که در نتیجه احساس ارزشمندی در نفس انسان پدید می‌آید و او را آماده می‌سازد تا از طریق بهره‌گیری از لیاقت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد به انجام وظایفی که برعهده اوست قیام نماید و در این راه، از مشکلات و موانعی که پیش می‌آید هراسی به دل راه ندهد. از این حالت روحی در فرهنگ اسلامی با تعبیری چون علو همت، مناعت طبع، اعتماد به نفس، عزت نفس و... یاد می‌شود. در واقع، خودباوری، باور به استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای نهفته فطری درونی است که با اتکاء به آن، می‌توان به اهداف موردنظر در زندگی رسید و به آنان جامه عمل پوشاند. و مرحله‌ای عالی خودباوری، شکوفایی همه استعدادهای بالقوه فرد است.

روشن است که اولاً، این کیفیت نفسانی با نفس محوری فرق دارد. چون در نفس محوری، انسان خود را تابع گرایش‌های نفسانی می‌سازد و از طریق تبعیت از خواست‌های حیوانی نفسی، گرفتار امراضی چون کبر و غرور و نخوت می‌شود و در نتیجه، هستی خویش را به پرتگاه سقوط می‌کشانند و از طریق غرق شدن در شهوات، به مرتبه حیوانیت بلکه پایین‌تر از آن سقوط می‌کند. اما در خودباوری، از طریق خودشناسی و کشف استعدادها و توانمندی‌های خود، به احساس عجز و ناتوانی در مقابل سختی‌ها و گرفتاری‌ها غلبه می‌کند و پله‌های پیشرفت و تعالی را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد.

ثانیاً، هرگز خودباوری برخلاف نفس محوری، در برابر و در عرض اعتماد و توکل به خدا واقع نمی‌شود. بلکه این امر در طول اعتماد به خدا و در مقابل اعتماد به غیر است. به اصطلاح، یک ارزیابی واقع‌بینانه از توانایی‌های خود است تا با آگاهی و شناخت کامل از آنها، در مسیر تعالی و پیشرفت، بهره‌برداری لازم به عمل آید و این‌گونه نباشد که انسان در برآوردن نیازها و انجام وظایفی که برعهده اوست، چشم به دیگران دوخته و از توانمندی‌های خود غافل شود. به تعبیر اقبال لاهوری:

از دل و دیده فروشوی خیال‌دگران

که پریدن نتوان با پر و بال دگران

همچو آینه مشو محو جمال دگران...

در جهان بال و پر خویش گشودن آموز

## ب. انواع خودباوری

از دیدگاه‌های مختلف خودباوری به اقسامی تقسیم می‌شود از جمله آنهاست:

۱. خودباوری انسانی: اولین گام در خودشناسی، دست یافتن به این باور است که هر فردی به لحاظ این‌که انسان



آفریده شده است، فراتر از سایر موجودات از یک سلسله ویژگی‌های برتر نظیر استعداد و ظرفیت و زمینه رشد فراوانی برخوردار است که اگر او به عنوان انسان از توانمندی‌هایی که دارد به نحو صحیح استفاده کند، می‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد مسجود ملائکه واقع شود. در مقابل، اگر در اثر غفلت‌ها و غرق شدن در لذات دنیوی و فراموش کردن منزلت واقعی خویش، دچار خودباختگی شود و از ارزش‌های انسانی و گرایش‌های متعالی تهی گردد، ماهیت حیوانی یا پست‌تر از آن پیدا می‌کند.<sup>(۱)</sup>

**۲. خودباوری اعتقادی:** هر فردی در زندگی با یک سلسله اعتقادات قلبی و ایمانی زندگی می‌کند که این اعتقادات هویت فکری و فرهنگی او را شکل می‌دهند. بر این اساس، نظام زندگی هر فرد مسلمانی در چارچوب آموزه‌های دین مبین اسلام معنی و مفهوم می‌یابد. چرا که ما معتقدیم دین اسلام کامل‌ترین برنامه‌ای است که از طریق به کار بستن آن، انسان به سعادت دنیوی و اخروی دست می‌یابد. بنابراین، یک جوان مسلمان موظف است پس از کسب آگاهی‌های لازم، از کم و کیف این برنامه انسان‌ساز و نیز یقین پیدا کردن به حقایق آن زندگی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که تمام تلاش‌های او در بستر دین سامان پیدا کند و در نهایت، به این باور برسد که رشد و کمال واقعی او جز در بستر احکام و مقررات دینی میسر نیست.

**۳. خودباوری ملی:** هر ملتی دارای فرهنگ و تمدن خاصی است که در طول قرون متمادی در سایه تلاش‌های نخبگان آن شکل می‌گیرد. خودباوری ملی، در مقابل از خودبیگانگی و خودباختگی ملی مطرح می‌شود. گاهی افراد یک جامعه در اثر ناآگاهی و یا تحت تأثیر تبلیغات سوء و جذاب دشمنان، به سنت و باورهای ملی و فرهنگی خود پشت می‌کنند و از نمادها و ارزش‌های رایج در جوامع دیگر پیروی و تقلید می‌کنند. این کار به تدریج، راه نفوذ و تسلط همه جانبه بیگانگان را در عرصه‌های مختلف آن جامعه هموار می‌سازد. در نهایت، کیان و استقلال آن جامعه را با خطر جدی مواجه می‌سازد. در تاریخ جوامع اسلامی به نمونه‌های زیادی از این‌گونه جامعه‌ها برمی‌خوریم. ترکیه دوران آتاترک و حتی ترکیه امروز در مقابل غرب، و ایران دوره رضاخان و بسیاری از جوامع دیگر، مصداق روشنی از مردمی هستند که به خودباختگی ملی گرفتار آمده‌اند.

**۴. خودباوری فردی:** نوعی دیگر از خودباوری، خودباوری فردی است که در قلمرو شخصیت افراد مطرح می‌شود. توضیح آن‌که هر فردی دارای استعداد و توانایی‌های خاصی است که اگر آن‌ها را درست شناسایی کند و در زندگی از آن‌ها به صورت مناسب بهره‌برداری نماید، در زندگی شخصی خود به تمام آمال و اهدافی که دارد دست می‌یابد و در پیشامدهای زندگی نه دچار یأس و ناامیدی می‌شود و نه در برخورد با مشکلات احساس خود کم‌بینی به او دست می‌دهد. در نتیجه، به برکت این خودباوری و شکوفایی و تحقق آن فرد است که سست‌اندیشی و وابستگی بی‌جهت به دیگران از زندگی او به کلی دور می‌شود. و به یک استقلال فکری و عزت نفس کامل و اعتماد به نفس سازنده که موفقیت همه جانبه او را تضمین می‌کند دست می‌یابد.

### ج- آفات خودباوری:

خودباوری نیز همچون سایر فضیلت‌های انسانی دارای آفاتی است که گاهی این آفت‌ها، زمینه ایجاد آن را در وجود جوانان بین می‌برند یا پس از ایجاد آن استمرار آن جلوگیری به عمل می‌آورند. می‌توان گفت که ریشه تمام این آفت‌ها، به گونه‌ای به محدودیت تجربه جوان یا غلبه احساسات دوره جوانی او برمی‌گردد، یعنی جوان در برخورد با موانع خودباوری و اعتماد به نفس، به جهت عدم برخورداری از تجربیات اجتماعی و فرهنگی کافی اغلب تحلیل و ارزیابی درستی از این آفت‌ها نمی‌تواند داشته باشد. لذا در موقع مواجه شدن با این امور به سادگی و با خوش‌بینی خاصی با آن‌ها مواجه می‌شود. در هر حال، برای خودباوری آفت‌های زیادی ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

**۱- جهل و ناآگاهی:** انسان تا موقعی که نقش مهم خودباوری را در زندگی فردی و یا اجتماعی به طور کامل نشناسد و از سوی دیگر، استعداد و توانمندی‌های موجود در وجود خویش را به خوبی مورد شناسایی قرار ندهد و یا از سرمایه‌های بالفعل و بالقوه ارزشمند ملی و فرهنگی جامعه‌اش خبر نداشته باشد و بدتر از این، اگر از اهداف و نقشه‌های دشمنان بی‌خبر باشد، بی‌تردید از اتخاذ شیوه‌هایی که موجب ایجاد و یا تقویت خودباوری می‌شوند عاجز خواهد بود. اگر این ضعف در سطح جامعه عمومیت پیدا کند، در نهایت، استقلال و وحدت ملی جامعه را در مقابل جوامع دیگر با خطر مواجه خواهد ساخت و حداقل زمینه وابستگی در در پی خواهد داشت. و بنابراین، یکی از خطرناک‌ترین عوامل خودباختگی، که اساس خودباوری را از بین می‌برد، جهل و ناآگاهی آحاد یک جامعه است تنها راه مبارزه با این خطر، گسترش سطح آگاهی‌های عمومی اقشار مختلف، به ویژه قشر جوان است تا از این طریق، ضمن شناسایی استعدادها و توانمندی‌های فردی و ملی و فرهنگی بتوانند توطئه‌های دشمنان را که اغلب تحت پوشش عناوین جذاب و به ظاهر زیبا جلوه می‌کند، تشخیص دهند و با آن‌ها به مبارزه



امروزه یکی از شیوه‌های بسیار مؤثر نفوذ در افکار و اندیشه‌های اقشار مختلف مردم جوامع، استفاده از تبلیغات و ابزارهای پیشرفته تبلیغی است.

برخیزند.

**۲- خود کم‌بینی و احساس حقارت:** همان‌گونه که عزت نفس و خودباوری روحیه مسئولیت‌پذیری و احساس توانمندی و صبر و تحمل را ارتقاء می‌بخشد، در مقابل، خود کم‌بینی و خودباختی زمینه بهره‌برداری از سرمایه‌ها و توانمندی‌های فردی و ملی و فرهنگی را از بین می‌برد. و این حالت چنان روحیه بی‌اعتمادی را در فرد و جامعه گسترش می‌دهد که افراد به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند و از تن دادن به کارهای بزرگ خودداری می‌کنند و به محض بروز کوچک‌ترین پیشامد ناگوار مایوس و ناامید می‌شوند. بدیهی است که وقتی جوانان، که سرمایه‌های اصلی جوامع محسوب می‌شوند، به چنین حالتی دچار شوند در موقع مواجه شدن با پیشرفت‌های مختلف سایر ملت‌ها آن‌چنان مرعوب می‌شوند که به جای تلاش بیشتر جهت برطرف ساختن عقب‌ماندگی‌های گذشته در اثر خود کم‌بینی به راحتی به مصرف‌کننده کالاهای جوامع پیشرفته‌تر تبدیل می‌شوند و در مقابل دریافت کالاهای کم‌ارزش و پست، و تشریفاتی و تجملاتی آن‌ها ذخایر عظیم ملی خودشان را از دست می‌دهند. امروزه وضع اغلب کشورهای به اصطلاح جهان سوم و یا توسعه نیافته و در برابر کشورهای صنعتی کم‌وبیش به همین شکل است.

**۳- تبلیغات دشمنان:** یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف خودباوری، تبلیغات گسترده دشمنان است. امروزه یکی از شیوه‌های بسیار مؤثر نفوذ در افکار و اندیشه‌های اقشار مختلف مردم جوامع، استفاده از تبلیغات و ابزارهای پیشرفته تبلیغی است. این روش، به قدری کارساز است که از آن در عصر حاضر به جای حمله‌های سنگین نظامی، که در زمان‌های گذشته تنها راه به سیطره درآوردن جوامع دیگر بود، استفاده می‌شود. در عصر حاضر کشورهای پیشرفته اهداف شوم تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه خود را از طریق به راه انداختن تبلیغات دامنه‌دار و همه‌جانبه تحقق می‌بخشند و اولین کاری را که در ضمن این تبلیغات انجام می‌دهند آن است که اعتماد به نفس و خودباوری مردم جامعه موردنظر را از راه‌های مختلف تضعیف می‌کنند. دشمنان معمولاً این کار را به چند طریق انجام می‌دهند: اصول و دست‌آوردهای فکری و فرهنگی جامعه مقابل را، که در طول صدها و بلکه هزاران سال به دست آمده است، تحقیر و کم‌اهمیت جلوه می‌دهند و از طریق تحریف تاریخ افتخارات آن‌ها را نادیده می‌گیرند. در مقابل، با دروغ و بزرگ‌نمایی‌های غیرواقعی اصول و مبانی فکری و اعتقادی جامعه خود را به عنوان اصول متمدنی معرفی می‌کنند. نقاط ضعف جامعه مقابل را به طور مبالغه‌آمیز بزرگتر از آنچه هست نشان می‌دهند. و به غلط، پیشرفت‌های موجود در جامعه خود را که معمولاً در برخی عرصه‌هاست، به عنوان، پیشرفت همه‌جانبه معرفی می‌کنند و به گونه‌ای وانمود می‌کنند که تنها راه ترقی و تعالی تبعیت از شیوه‌های رایج در جوامع آنهاست. آنان از طریق استخدام روشنفکران مزدور نقاط منفی تاریخ جامعه خودشان را پوشیده نگه می‌دارند و حتی در موارد زیادی دست‌آوردهای ارزشمند جوامع دیگر را به مردم و فرهنگ خودشان نسبت می‌دهند. و زمانی که این امور را به صورت گسترده مطرح کردند، افراد ضعیف‌النفس و کم‌اطلاع و خود کم‌بین جامعه مورد تهاجم قرار گرفته و به تدریج تحت تأثیر واقع می‌شوند. نخست به فرهنگ و سرمایه‌های فکری و اعتقادی جامعه خودشان بی‌اعتقاد و بی‌اعتماد می‌شوند و سپس، به غلط پیشرفت در برخی عرصه‌های علوم تجربی جامعه دیگر را به معنی پیشرفت همه‌جانبه آن می‌پذیرند. و تحت تأثیر تبلیغات استعمارگران به این باور می‌رسند که تنها راه ترقی گرایش به ارزش‌های فکری و فرهنگی جوامع پیشرفته است و نتیجه تمام این انفعال‌ها، از دست دادن اعتماد به نفس و خودباوری و در نهایت وابستگی فکری و فرهنگی است که استقلال جامعه آن‌ها را با خطر جدی مواجه می‌سازد. علاوه بر آنچه بیان شد، امور دیگری چون: شکست‌ها، راحت‌طلبی، غرور، خودبزرگ‌بینی، رسوخ باور و اندیشه‌های غلط فکری و فرهنگی، سستی و تنبلی و... از جمله آفات خودباوری در افراد، به ویژه جوانان است. بنابراین، اگر افراد جامعه‌ای خواهان پیشرفت و تعالی هستند باید از طریق اصلاح نظام آموزشی و تربیتی جامعه و بازنگری در باورها و ارزش‌های فکری و فرهنگی به جای مانده از گذشته، تمام این‌گونه اوصاف و ویژگی‌های نادرست فکری و اخلاقی را اصلاح نمایند و به یک انقلاب فکری و فرهنگی، به ویژه در سطح اندیشه و اعتقادات نسل جوان دست بزنند. آن‌گاه از طریق احیای ارزش‌های اصیل و حیات‌بخش روح اعتماد به نفس و خودباوری را در وجود این قشر، که مهم‌ترین سرمایه جوامع محسوب می‌گردند، شکوفا ساخته و حفظ و استمرار خواهند بخشید.

پی‌نوشت‌ها

۱. اولنک کالانعام بل هم اضل... اعراف / ۱۷۹